

در سال حدود نیم میلیون مسکن می‌سازیم

صفحه ۱۶



بهروز افخمی در گفت‌وگو با اکبر نبوی در مجله تصویری «قاف» مطرح کرد

با این سانسور و هدایت فیلم‌ها انگار نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده است

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای زنجیان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید: دیپو و مضمون:
روایت سال‌های جنگ



www.fdn.ir | Thu | 15 Feb 2024 | vol.15 | No. 4081 | 16 Pages

شماره مسلسل ۲۸۱۹
پنجمین ۲۶ بهمن ۱۴۰۲
۵ شوبان ۱۳۴۵
۱۵ فوریه ۲۰۱۴
شماره ۲۰۸۱

ولادت نام: سعید، رابرت، کی، گویم

اسم	فامیل	میوه	غذا	شهر یا کشور	رنگ	ماشین	مشاير	اشیاد	جمع کل
								جمنا	X
								مینا	X
								شان	X
								شریان	X
								جریان	X
								امنا	X
									X

چرا هرچه بیشتر در کنشگری سیاسی جریان موسوم به اصولگرایان جست‌وجو

می‌کنیم کمتر اثری از ایده‌های حکمرانی می‌بینیم؟

انتخابات بازی اسم - فامیل نیست

تحوالات دفاعی اخیر در خلیج فارس هم پیام روشنی برای غربی‌ها دارد هم کشورهای عربی

بازی دوسر برد در بوموسی

۷

«فرهیختگان» گزارشی می‌دهد

انرژی‌های پاک؛ موتور محرک اقتصاد چین در ۲۰۲۳

۶

«فرهیختگان» از وضعیت مدیریت تکنولوژی در نظام آموزش عالی گزارش می‌دهد

π رادیان تاخیر فاز داریم

۴،۵

برای درخشش سیمرغ‌های بلورین

چندی پیش که خودشان میدان دار بودند، همیشه داعیه‌شان این بود که فجر یک جشنواره هنری است و هنر منفک از سیاست است!

آنهايي که از اول هم فجر را برای انقلاب نمی‌دانستند!

در این بین یک گروه دیگری نیز داریم که همیشه نسبت به جشنواره فیلم فجر موضعی سلبی داشته و حتی در سال‌هایی تلاش کرده برای آن جایگزین‌هایی هرچند ناژن را شکل دهد. این دسته که عموماً از رادیکال‌ها و تندروها هستند همواره با این گزاره کلیشه‌ای که «فقط اسم این جشنواره فجر است و نسبتی با انقلاب اسلامی ندارد» در برابر آن می‌ایستاده‌اند و بر این میراث‌گران بها لطمه وارد می‌کردند. روزگاری به سراغ راه‌اندازی جایزه‌های تقلیدی از اسم سیمرغ می‌رفتند و روزگاری نشست‌های اصطلاحاً نقد و نظر بر آثار فجر برگزار می‌کردند که با ایده‌های نمادگرایی و نشانه‌شناسی به جنگ آثار اکران شده در فجر می‌آمدند. جالب آنکه مسیر این گروه هیچ‌گاه به تولید اثر نیز ختم نمی‌شده و همواره مواجهه به صورت سلبی و از جایگاه نقد در مورد اصل پدیده فجر و آثار آن بوده است. در این میان بعضاً رسانه ملی هم به دام همین گزاره غلط گرفتار می‌آمده است و جشنواره فیلم فجر که روزگاری جایگاه مهمی در تلویزیون داشت و به واسطه آن مردم نیز اشتیاق بیشتری برای حضور در این رویداد داشتند، کم‌اهمیت جلوه داده می‌شود.

می‌شود؛ آنهایی که چندین ماه شبانه‌روز درگیر ساخت یک اثر سینمایی می‌شوند و قرار است محصول زحمت چندماهه‌شان را روی پرده نقره‌ای جشنواره ببینند. برای عده‌ای این موضوع در صف‌های سینماهای مردمی تداعی یک انبوه خلق می‌کند که یک هدف مشترک دارند و آن لذت از سینماست اما در مواجهه با فجر گروه دیگری نیز هستند که فکر می‌کنند؛ آب گل آلود شده و می‌توان از این طریق ماهی سیاسی‌شان را دشت کنند. این گروه که اتفاقاً هیچ نسبتی با کم‌کیفیت سینما نیز ندارند، مواجهه‌شان با این پدیده کاملاً سیاسی است و بر اساس کیفیت برگزاری یا حضورها و عدم حضورها تحلیل‌سازی‌های سیاسی خودشان را بر جشنواره منطبق می‌کنند. فی‌المثل نگاه بکنید به کنش مصطفی تاج‌زاده. او که در سیاست این سال‌ها نمادی از رادیکالیسم است و در برابر مشارکت مردم در انتخابات نسخه تحریم را می‌پیچد، درباره جشنواره فیلم فجر یادداشتی نوشته تا با مقایسه فجر و عمار ارزش جایز برگزیدگان را زیر سوال ببرد و تلاش کند حلاوت و شیرینی این جایزه که مزه زحمت چندماهه یک تیم بزرگ سینمایی است را برایشان بی‌معنی کند. امثال تاج‌زاده اساساً سختی کار تولید اثر سینمایی را نیز نمی‌فهمند و عامدانه و آگاهانه روی روان اهل هنر می‌روند که مواجهه آنها با جشنواره جدی نباشد.

ما بردیم، باقی به درک...

دسته سوم آنهایی هستند که روزگاری با ابهت روی جشنواره قدم زده‌اند، برای عکاسان ژست گرفته‌اند و در نشست‌های خبری جشنواره گوی سبقت از دیگران را می‌ربودند که حتماً بالا پشت میکروفون باشند یا روی سن اختتامیه رفته‌اند و موفق به کسب سیمرغ شده‌اند و امروز دلایل مختلف از اختلافات صنفی تا انشقاقات سیاسی باعث شده از فجر روی‌گردان باشند. این جماعت اما در یک خودخواهی کامل نمی‌خواهند دیگرانی از هم صنف‌هایشان طعم جذاب حضور در جشنواره را بچشند و از بیرون نه‌فقط به قطار فجر بلکه حتی به همه سرنشینان قطار نیز سنگ می‌زنند. مانند آن زن بازیگر سیمرغ گرفته که یکی از تهیه‌کنندگان می‌گفت به تکت‌تک عوامل فیلم‌ش زده بود تا آنها را از حضور در فیلمی که قرار است به فجر بیاید منصرف کند؛ بخشی از این گروه بعد از اتفاقات سال گذشته مواضع رادیکالی گرفتند که حالا بعضاً پشیمان و بعضاً ناچارند و سعی می‌کنند با بی‌اهمیت جلوه دادن این جایزه رغبت دیگر همکاران‌شان به این جایزه را کاهش دهند. عقبه رسانه‌ای و تولید محتوای تحریم‌کنندگان جشنواره در فضای مجازی نیز ساکت ننشسته‌اند و در این ۱۰ روز و به خصوص دیگراورد مورد سوءاستفاده‌ها و مصرف‌های سیاسی و حزبی قرار نگرفتند و حفظ حریم هنر از بازی‌های سیاسی و همچنین ایجاد پیوندی دوباره بین مردم و سینما و خلق چهره‌های جدید برای آنکه سینما با آنها برای مردم شناخته شود.

فاطمه دیندار خبرنگار

جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین و معتبرترین رویداد سینمایی ایران است و شاید آرزوی هر کدام از اهالی سینما - چه در پشت دوربین، چه در جلوی آن - باشد که روزی در پردیس جشنواره قدم بزند و روی سن اختتامیه آن برود و یکی از آن بلورهای مستطیلی منقوش به سیمرغ را روی دست بگیرد. همچنین امروز بعد از گذشت ۴۲ دوره از این رویداد می‌توان به این موضوع نیز شهادت داد که این جشنواره یک میراث فرهنگی هنری مهم برای ایران اسلامی است که حفظ و حراست از آن از سوی سه‌ضلعی (متصدیان و مدیران، هنرمندان و اهالی رسانه، مخاطبان) حائز اهمیت است. اما در طول سال‌های اخیر، خاصه پس از پاییز ۱۴۰۱ که تاکنون دو جشنواره برگزار شده است، جریان‌هایی تلاش‌شان این بوده که به اصل این میراث‌گران سنگ لطمه وارد کنند. گزارش حاضر با آن دو گزاره مقدماتی کوتاه به تشریح گروه‌هایی می‌پردازد که تلاش‌شان آگاهانه یا ناآگاهانه به جشنواره فیلم فجر لطمه می‌زند.

دیبرو و دبیرخانه

شاید این ضرب‌المثل معروف که «حرمت امامزاده به متولی‌اش است» بتواند کامل حق این بخش را داد کند. هر جشنواره‌ای یک متولی دارد و جشنواره فیلم فجر نیز صاحب یک دبیرخانه دائمی و دبیری است که از سوی رئیس سازمان سینمایی منصوب می‌شود. طبیعتاً حراست و حفاظت از نام «جشنواره فیلم فجر» در درجه نخست برعهده این نهاد است و هرچه دبیرخانه در کمیت و کیفیت برگزاری جشنواره موفق‌تر باشد، جایگاه این پدیده در نظر اهالی آن والاتر می‌رود. اما جشنواره فجر امسال از این ناحیه بیشترین لطمات را دیده است. نامعلوم بودن محل برگزاری و شرایط برگزاری جشنواره تا چند روز مانده به زمان برگزاری، عدم سعه صدر در پذیرش آثار در هیات انتخاب، مصاحبه‌های پیاپی نااصوب از سوی برخی اعضای هیات انتخاب - که حتی در طول جشنواره نیز ادامه یافت - همه باعث ایجاد حاشیه‌های پررنگ‌تر از متن شد. کیفیت آثار پذیرش شده در این دوره در برخی موارد مورد انتقاد عموم منتقدان، اصحاب رسانه و مخاطبان قرار گرفت؛ اما ناباورانه این آثار در لیست برگزیدگان سیمرغ نیز قرار گرفت؛ البته این انتخاب‌های اشتباه صرفاً امسال نیست، کم‌ابینه که صحبت‌های جواد عزتی پشت تریبون فجر بعد از دریافت سیمرغ کارگردانی اولی ناظر به اینکه «دوست داشت این سیمرغ را در سال‌های پیش برای بازیگری دریافت می‌کرد» نشان از این موضوع است. اشتباهات و خطاها و لجبازی‌هایی از این جنس یا آنچه در مورد خاص فیلم «بی‌بدن» از سوی دبیر و دبیرخانه رخ داد، در تزل‌تزل‌شان و جایگاه جشنواره اثرگذار بوده است.

رادیکال‌های ماهی‌گیر سیاسی

جشنواره فیلم فجر برای بعضی در فضای تولید معنا

شده که در آن زمان هم رادیکال بودند. منظور اینکه اتاق فکر آن زمان اصولگرایی فهمیده بود باید برای ورود به انتخابات «ایده‌ای سازد و آن ایده توان موج اجتماعی داشته باشد. اما در انتخابات فعلی که پس از تجربه بازی در زمین یکطرفه انتخابات ۹۸ و ۱۴۰۰ در حال وقوع است، اصولگرایان «بد عادت» شدند. تمرکز اصلی در پشت صحنه اصولگرایی روی گرفتن سهمیه بیشتر در دو یا سه لیست اصلی این جریان است. دور میز لیست اول به‌طور خاص بدنه قابلیاف، ژاکانی و پایداری در حال رایزنی هستند. این میز به خودشان «شاناه» می‌گویند. در میز لیست دوم که به خودشان «امناه» می‌گویند نزدیکان بذرپاش، بخشی از پایداری‌های سابق مثل رسایی و رائفی پور هستند. امنا، در واقع خروج بخشی از اصولگرایان از ائتلاف مجلس یازدهم است و با کنایه به آنها موضع می‌گیرند. لیست سوم شاید شامل بخشی از سنتی‌ها باشد. نقطه مرکزی بحث در این «پارکشی»‌ها در اصولگرایان اطمینان از پیروزی در غیاب رقیب قدرتمند و گرفتن سهم بیشتر در لیست نهایی است. در واقع چالش نیروهای سیاسی اصولگرا هیچ ارتباطی با سوال و ابهام و نیاز جامعه ندارد. حتی بدنه اجتماعی خود اصولگرایان کمتر به این فکر می‌کنند. تفاوت این لیست‌ها در اساسی انتخابی و سهمیه‌بندی درون آن است. به عنوان یک رسانه نمی‌دانیم تفاوت دیدگاه این افراد در موضوعات اصلی اقتصادی و سیاسی کشور چیست؟ نمی‌دانیم ایده جدید آنها برای چالش‌های اجتماعی ما چیست؟ آنها واقعاً چه می‌گویند؟ انصافاً نمی‌دانیم! ضربات پی‌درپی که در فضای رسانه‌ای به چهره‌های اصلی این لیست‌ها وارد می‌شود احتمالاً بیشتر از سوی رقبای درون جناحی طراحی می‌شود، ضرباتی که هیچ پاسخ قانع‌کننده‌ای به جامعه درباره آنها داده نشده و انباشت ناامیدی را بیشتر می‌کند. اصولگرایان عادت دارند از سبب ارزش‌ها وام انتخاباتی می‌گیرند و تالان ابرید‌هکار انتخاباتی به ارزش‌های انقلابی محسوب می‌شوند. آن سوی سیاست در میان اصلاح‌طلبان عادت بالا رفتن از دیوار «آزادی‌های اجتماعی و سیاسی» مد است، این سو وام از ارزش‌ها بدون ضمانت بازپس دادن!

هیچ‌کدام از سیاسیون حرف حساسی برای ایجاد موج اجتماعی به‌منظور مشارکت سیاسی ندارند، حتی حنا «شفافیت» اصولگرایان دیگر رنگی ندارد، مثل شوخی اصلاح‌طلبان با آزادی. جامعه اما تشنه ایده‌های جدید است، جامعه با سیاست و مشارکت سیاسی قهر نیست، چه آنکه اگر امید به تغییر باشد رقم مشارکت سیاسی بالا می‌رود. انسداد طلبان ضدایران که قائل منافع ملی هستند، دوست دارند مشارکت سیاسی پایین باشد تا از لیج‌زار ضدایرانی سردرآورند، ولی کسانی که تعیین سرنوشت کشور در مسیر کنش سیاسی قانونمند را قبول دارند، می‌دانند کلید مشارکت سیاسی در ایجاد رقابت بر سر موضوعات اصلی کشور است. هر گروه سیاسی که ملزومات رقابت سیاسی سالم را رعایت نکند، ضد منافع ملی عمل کرده است. از بدیهی‌ترین ملزومات رقابت شکل دادن انتخابات بر سر چالش‌های کشور است. این «لیست‌کشی» اصولگرایان ضد مشارکت و بیشتر شبیه بازی انتخاباتی است. گروه‌های سیاسی‌ای که بلد نیستند فضای انتخاباتی واقعی بسازند، چگونه می‌خواهند درباره مسائل کشور فکر کنند؟

مسعود فروغی قائم‌مقام دبیر مسئول

در فاصله کوتاه باقی‌مانده تا انتخابات مجلس دوازدهم «کمی» بیشتر از ماه‌های اخیر موضوع انتخابات داغ شده است، اما نه آنقدر که برای برگزاری یک رویداد سیاسی مهم مثل انتخابات به گرم شدن فضای سیاسی نیاز داریم. بالاگرفتن بحث‌های انتخاباتی به مشارکت بدنه عمومی جامعه کمک می‌کند و منطقی‌ها هر قدر مشارکت سیاسی بالاتر بود، مجلس آینده قدرت بیشتری برای کار دارد. قدرتی که مشارکت سیاسی به نهاد‌های انتخابی می‌دهد حداقل دو وجه دارد؛ یکی پشتوانه رای اکثریت جامعه و دیگری تنوع انتخاب. در مشارکت پایین علاوه بر اینکه مجلس شکل گرفته رای بخش کمتری از جامعه را در سبب دارد، ترکیب ضعیف‌تری خواهد داشت. در همین کاندیداهای تأیید صلاحیت شده که از نظر کمی قابل توجه هستند، تنوعی از دیدگاه‌ها دیده می‌شود، با حداقل می‌توان تنوعی از دیدگاه‌ها را به مجلس فرستاد تا بخش‌های مختلف جامعه صدای خودشان را از مجلس بشنوند. اما اینکه مجلس دوازدهم چگونه خواهد بود در حال حاضر بیشتر از هر چیزی به مشارکت رای دهندگان مربوط است. به هر حال در چند روز اخیر به واسطه بیانیه ۱۱ نفر از اصلاح‌طلبان، تنور انتخابات کمی گرم‌تر شد. آنچنان‌که امضاکنندگان نامه نوشته‌اند آنها موافق مشارکت در انتخابات هستند و کناره‌گیری از آن را خلاف مصالح ملی می‌دانند. چون در روزهای اخیر مواضع تحلیلی روشنی درخصوص این نامه در «فرهیختگان» منتشر کردیم، علی‌الحساب از آن نام و نتایجش عبور می‌کنیم. اما آن سوی سیاست در جمع نیروهایی از فعالان سیاسی ایران که به اصولگرایی معروف هستند، چه خبر است؟ اصولگرایان که اکثریت مطلق مجلس فعلی را در اختیار دارند گویا امیدوار به انتخاباتی بدون رقیب اصلاح‌طلب بودند و در شهری مثل تهران که ارزش نمادین فوق‌العاده‌ای دارد، چندشعبه‌ای هستند. اصولگرایان برخلاف تجربه انتخابات شورای دوم و مجلس هفتم معمولاً از اسامی عجیبی برای حضور در انتخابات استفاده می‌کنند. اسامی‌ای که نه بار معنایی سیاسی خاصی دارند نه فضای اجتماعی می‌سازند. در همین انتخابات فعلی حفظ کردن اسم گروه‌های شب انتخاباتی که برای امتیازگیری خلق می‌شوند، انصافاً کار سختی است. درحالی‌که در تجربه ابتدای دهه ۸۰ این طیف سیاسی و در حالی که دولت اصلاحات در اوج قدرت نامی بود، «است»‌های سابق دو حرکت جدید برای جذب رای انجام دادند. اول در پیشانی کار از لفظ «آبادگران» استفاده کردند و دوم تا آنجا که می‌شد، چهره‌های جدیدی که جامعه حس منفی درباره آنها نداشت به لیست وارد کردند. آبادگران، متولد راست سیاسی در ایران آن زمان بود و این ایده را پیگیری می‌کرد که در صورت انتخاب توسط مردم «بدون سیاسی‌کاری» برای ایران کار می‌کنند. این ایده در اتمسفری شکل گرفت که اصلاح‌طلبان ساخته بودند، آنها عملاً از نهاد‌های انتخابی از جمله وزارت کشور دولت خاتمی، شورای اول شهر تهران و مجلس ششم به عنوان توپخانه سیاسی استفاده می‌کردند. بیانیه «آشتی با انتخابات»، که ۱۱۰ اصلاح‌طلب اخیراً امضا کردند عملاً در تقابل با هم‌خون‌هایی از اصلاح‌طلبان صادر